



تبصره‌ای بر مقاله «سفینه تاج‌الدین احمد وزیر»

سلیم نیساری

در شماره ۲۱ (دوره ششم - شماره اول) نامه فرهنگستان مقاله‌ای خواندم زیر عنوان «سفینه تاج‌الدین احمد وزیر» نوشته آقای ذاکر الحسینی. نویسنده در آغاز مقاله شرح موجز و مفیدی درباره محتویات این سفینه آورده است که می‌رساند حدود ۷۵ تن از فضایی سرشناس قرن هشتم از آثار خود و دیگران در سال ۷۸۲ ه.ق. به منظور تقدیم به تاج‌الدین احمد، وزیر شاه شجاع دستنویسی کرده‌اند. اصل نسخه در اختیار دانشگاه اصفهان است. بار اول در سال ۱۳۵۳ به صورت عکسی (فاکسیمیل) در ردیف انتشارات دانشگاه اصفهان چاپ و منتشر شده است و بار دوم در سال ۱۳۸۱ در دو جلد به صورت حروف‌نگاری در قم جزو انتشارات مجمع ذخائر اسلامی.

نویسنده مقاله نحوه کار مصحح چاپ ۱۳۸۱ را به نقل از مقدمه آن چاپ چنین توصیف کرده است: «... برای بازنویسی متن سفینه، نسخه را از روی چاپ عکسی چندین بار خوانده، موارد قابل تردید و نقائص چاپ عکسی را از روی اصل نسخه رفع کرده، برای تصحیح بعضی قسمت‌ها از منابع دیگر با اشاره به آنها سود جسته، مواضع ناخوانا و نوشته‌ها و اشعار ناقص را... از روی مآخذ حدیث، دواوین و منابع دیگر... تکمیل کرده و جمعاً مدت سه سال به این کار اشتغال داشته است».

چه کسی ممکن است با خواندن این توضیح درباره روش کار و تلاش و کوشش سه‌ساله مصحح در رفع کاستیها و کژیهای نسخه خطی این خدمت‌ارزنده را تحسین و تمجید نکند؟

نویسنده مقاله (آقای ذاکرالحسینی) با دقتی شایسته تقدیر این دو چاپ (چاپ حروفی و چاپ عکسی) را با هم مقابله کرده و به این نتیجه رسیده است که «متأسفانه موارد تصحیف، تحریف، بدخوانی و نادرستیهای گونه‌گون در چاپ حروفی، با همه مراقبتی که مصحح مبذول داشته، بیش از حد انتظار است...»

در مقاله یادشده تنها برخی از موارد برجسته آن خطاها برای ارائه نمونه ذکر گردیده و ضبط یا قرائت صحیح متن چاپ عکسی در ذیل هر مورد افزوده شده است. درج این نمونه‌ها - که بنا به اظهار نویسنده مقاله تنها شامل برخی از خطاهاست - سیزده صفحه از حجم مقاله را به خود اختصاص داده است.

باید اذعان کنم که ملاحظه این نمونه‌ها، که بعضی از آنها حاکی از عدم توجه به وزن و معنی شعر و برخی دیگر مشعر بر سهل‌انگاری و بدخوانی یا عدم آشنائی با ویژگی‌های دستنویسهای سده‌های کهن است، عجیب می‌نمود و تا آن لحظه که این چاپ حروفی **بیاض تاج‌الدین احمد وزیر** نشریه مجمع ذخائر اسلامی قم را ورق زدم درباره امکان وقوع چنین خطاها در یک نشریه معتبر مردّد بودم. برای آگاهی کسانی که مقاله آقای ذاکرالحسینی را نخوانده‌اند به نقل سه نمونه از خطاهای چاپ ۱۳۸۱ در اینجا بسنده می‌کنم:

۱. ترا بملک زمین تهنت نیارم گفت که عقل را بود اینجا مجال طنّانی
سپهر و مهر به خاک در تو می‌نازند بسیط خاک چه باشد که توبدو مانی

(به نقل از صفحه ۱۶۳ جلد اول چاپ حروفی بارعایت عین املا)

نویسنده مقاله یادشده می‌افزاید که کلمه‌های آخر در این دو بیت در متن چاپ عکسی «طنّازی - بدو نازی» خوانده می‌شود و «طنّانی - بدو مانی» نیست.

۲. آنک نابینا [ی] مادرزاد اگر حاضر شود در جهان عالم آرایش نیست سرو سهی

(به نقل از صفحه ۱۶۴ جلد اول چاپ حروفی)

نویسنده مقاله یادشده متذکر می‌شود که مصرع دوم در متن چاپ عکسی چنین است:

«در جبین عالم آرایش ببیند سروری»

۳. مرا سریست که ترک کلاه همت او نشان زده‌ست الا ز اطللس افلاک

(به نقل از صفحه ۵۱۴ جلد اول چاپ حروفی)

نویسنده مقاله یادشده مصرع دوم را چنین می‌خواند: «نساژد آستر الا ز اطللس افلاک».

به‌عنوان معترضه در اینجا می‌خواهم اضافه کنم که در امر تصحیح و بازنویسی متن یک نسخه خطی سه مسأله متفاوت پیش می‌آید:

اول- تأویل املا، که به‌طور مثال نوشته‌ای به صورت «برکار» را که به نقل از نسخه خطی در صفحه ۱۸۲ جلد اول چاپ حروفی به همین صورت چاپ شده است باید «پرگار» خواند. همچنانکه در مورد مصرع «بود زلش رفو نماید» که در صفحه ۱۲۶ جلد اول چاپ حروفی به همین املا باقی مانده «پود زلش» قرائت صحیح است. و هر دو مورد بطور مثال ضرورت تأویل املا را ارائه می‌دهد.

دوم- قرائت صحیح متون خطی که لازمه‌اش آشنائی با سیاق کتابت در نسخ خطی کهن و همچنین دقت در شیوه دستنویسی هر کاتب است. بطور مثال در نسخه خطی مورد بحث بیشتر کاتبان در تکمیل نقطه‌های حروف در ترکیب کلمات تسامح کرده‌اند و مصحح ناگزیر است به سیاق مطلب توجه کند و ضمن قرائت صحیح هر کلمه نقطه‌های حروف را تکمیل کند. همچنین در این سفینه خطی بعضی از کاتبان گاهی حروف گسسته را نیز به حروف دیگر پیوسته نوشته‌اند و هرگونه اشتباه در عدم تشخیص این موارد منجر به بدخوانی نسخه خطی می‌شود.

سوم- گاهی یک حرف یا یک کلمه در دستنویس کاتب از قلم افتاده یا اشتباهاً تکرار شده است. اگر از متنی که مورد تصحیح قرار می‌گیرد نسخه‌های دیگری نیز در دسترس باشد به استناد ضبط آن نسخه‌ها کاستیها و کژیها برطرف می‌شود. گاهی متن خطی مانند همین سفینه مورد بحث یک نسخه منحصر به فرد است و نیز امکان دارد که ضبط همه نسخه‌های مشورتی پذیرفتنی به نظر نرسد. در چنین حالتی مصحح با توجه به سیاق مطلب سهو کاتب را تصحیح می‌کند. چنین اقدامی را اهل فن با قید اصطلاح «تصحیح قیاسی» مشخص می‌سازند.

در مقاله مندرج در نامۀ فرهنگستان، اگرچه در مواردی ضبط متن بر اساس چاپ عکسی با قید عبارت «ضبط صحیح چنین است» تصریح شده است، اما هر بار با برخورد با چنین عبارتی که «قرائت صحیح چنین است» بی‌اختیار وسوسه می‌شدم که بدانم ضبط اصلی نسخه خطی چیست؟ برایم مهم بود بدانم آیا این قرائت صحیح مطابق با ضبط واقعی نسخه خطی هم هست یا قرائتی است متضمن رفع کاستی‌های متن نسخه خطی و یا احیاناً «تصحیح قیاسی» نویسنده مقاله است.

به اصل نسخه خطی دسترسی نداشتم. با اعتماد به انطباق چاپ عکسی با اصل نسخه خواستم برای مقایسه بعضی از اغلاط چاپ حروفی مذکور در مقاله نامه فرهنگستان با آنچه به عنوان «ضبط صحیح» یا «قرائت صحیح» در مقاله قید شده است دقایقی وقت صرف کنم. در فرصتی که برای این کار داشتم تنها مقابله چند نمونه آن‌هم اختصاصاً از اشعار فارسی میسر بود.

دو مورد از تأویل املا (پرگار- پود) پیشتر ذکر شد. گذشته از چند موردی که خود نویسنده مقاله تصریح کرده است که «به قیاس تصحیح شد» به دو مورد ارائه قرائت صحیح متن و یک مورد تصحیح قیاسی دیگر نیز در اینجا اشاره می‌شود:

۱. در متن چاپ حروفی (ص ۱۲۶، جلد اول) قید شده است: «بنمود عجب ز خلق و خویت...» نویسنده مقاله می‌افزاید: «به لحاظ معنی «بنمود عجب» ضبط صحیح است». اصطلاح «ضبط» (که اصولاً به مفهوم شکل مکتوب کلمات در نسخه خطی است) در مورد کلمه اول این مصرع مترادف با مفهوم «قرائت» به کار رفته است. زیرا در ضبط یا کتابت نسخه عکسی (ص ۸۵) حرف اول در کلمه «بنمود» بی نقطه است. در واقع پیشنهاد اصلاحی نویسنده مقاله یادشده به صورت «بنمود عجب» قرائت صحیح فعل در آغاز این بیت است و درج کلمه در چاپ حروفی به صورت «بنمود» یک خطا و اشتباه در رونویسی متن محسوب می‌شود.

۲. در متن چاپ حروفی (ص ۱۷۱، جلد اول) آمده است: «به من که اهل جهانی بدین خبر شادند...» نویسنده مقاله می‌افزاید: «ضبط صحیح چنین است: نه من که اهل جهانی...» در این مورد هم نویسنده مقاله قرائت صحیح از متن را ارائه داده است و ضبط نسخه خطی تصریح نشده است، زیرا در متن نسخه طبق چاپ عکسی (ص ۱۳۹) حرف اول بی نقطه است.

۳. در متن چاپ حروفی (ص ۲۰۰، جلد اول) درج شده است: «ظل زلف تو است در شب و روز...» نویسنده مقاله پس از نقل این مثال قید کرده است که ضبط صحیح مصراع اول چنین است: «ظل زلف تو راست در شب و روز». در این مورد هم دقیقتر بود اگر تصریح می‌شد که در نسخه خطی «است» ضبط شده است (ص ۱۵۹ چاپ عکسی) و قید کلمه «راست» بجای کلمه «است» یک تصحیح قیاسی است.

* * *

در ضمن این توزّق اجمالی برای مقابله متن چاپ حروفی با چاپ عکسی به چند مورد برخورد کردم که قرائت اینجانب از متن چاپ عکسی با آنچه در مقاله یادشده به‌عنوان قرائت صحیح قید شده است متفاوت است. در یغم آمد که این موارد اختلاف نظر در قرائت را مطرح نکنم. شاید ارزش آن را داشته باشد که نویسنده محترم مقاله آنها را مورد بازنگری قرار دهد:

۱. سرگین گلی کته آن سروان بشین بهر در شودصلت این مهتران ما
(نقل به عین عبارت و املاى مندرج در ص ۱۲۰ جلد اول چاپ حروفی)

نویسنده مقاله قرائت صحیح این بیت را چنین آورده است:

سرگین خاک گشته آن سروان پیش بهتر ز ریش و صلت این مهتران ما
اینجانب مصرع دوم را با توجه به متن نسخه (مندرج در صفحه ۷۶ چاپ عکسی)
چنین می‌خوانم:

«بهرت ز ریش و سبلیت این مهتران ما»

۲. مجال از نفسش کی بود چون نیست اجازت خبری از نسیم پرسیدن
(ص ۱۶۳ جلد اول چاپ حروفی)

نویسنده مقاله می‌افزاید: «ضبط صحیح بیت چنین است:

مجال نامه به سویش کجا بود چون نیست اجازت خبری از نسیم پرسیدن»

مصرع اول این بیت را که در صفحه ۱۲۹ چاپ عکسی مندرج است اینجانب به این صورت می‌خوانم «مجال نامه نوشتن کجا بود چون نیست».

این توضیح در مورد کلمه سوم مصرع اول (یعنی «نوشتن» به نظر اینجانب و «بسویش» به قرائت نویسنده مقاله) باید افزوده شود که حرف اول در این کلمه را که در نسخه خطی بی‌نقطه است نویسنده مقاله بی‌فرض کرده ولی اینجانب بی‌خوانده‌ام، حرف دوم به نظر اینجانب مطمئناً و است و هیچ فاصله‌ای بین حرف اول و این حرف و (که حرف س را نمایش بدهد) در متن خطی وجود ندارد. حرف و در این کلمه به حرف ش (که در متن خطی سه نقطه‌اش مشخص است) پیوسته نوشته شده است، همچنانکه در کلمه «چون» در این مصرع هم حرف و به حرف بعد پیوسته است و در صفحه مقابل (ص ۱۲۸) چاپ عکسی نیز که به خط همین کاتب است حرف و در کلمه «بوی» متصل به حرف ی نوشته شده است در این بیت:

غبار موکب شاه است یا نسیم بهشت که بوی امن و امان در مشام جان افکند
توضیح اینکه در چاپ حروفی (ص ۱۶۲) به اشتباه «مشام جام افکند» آمده است.
۳. صبح سعادت از افق غیب بردمید... (ص ۱۷۰ جلد اول چاپ حروفی). نویسنده
مقاله می‌افزاید: ضبط صحیح «افق عید» است.

دو کلمه «افق...» در ضبط نسخه خطی (ص ۱۳۸ چاپ عکسی) کلاً بی‌نقطه است
ولی حرف آخر کلمه دوم به نگاه اینجانب د نیست و بیشتر شبیه حرف ب است. لذا
بنده آن را «غیب» می‌خوانم. صورت کامل بیت چنین است:

صبح سعادت از افق غیب بردمید / بیک بشارت از ره اقبال در رسید

۴. ذکر لب تو حکایتی شیرینست / وصف سر زلف تو چه شبیست دراز
(ص ۱۹۳ جلد اول چاپ حروفی)

نویسنده مقاله می‌افزاید: قرائت صحیح چنین است:

ذکر لب تو حکایتی شیرین است / وصف سر زلف تو چو بیتیست دراز

این بیت را که در صفحه ۱۵۴ چاپ عکسی درج شده است اینجانب چنین می‌خوانم:

ذکر لب تو حکایتی شیرین است / وصف سر زلف تو حدیثیست دراز

که در نسخه «حدیثیست» کتابت شده است و حرف اول بی‌نقطه است و لزومی ندارد
که این دو حرف بی‌نقطه «حد» را به «چه» یا «چو» تغییر بدهیم.

۵. یار من چون ماه گه پنهان و گه پیدا بود / تا دل شوریده‌ام هر دم ز تو شیدا بود
(ص ۲۱۲ جلد اول چاپ حروفی)

نویسنده مقاله درباره این بیت چنین یادداشت کرده است: در نسخه ردیف به صورت

«شود» اصلاح شده و ضبط صحیح چنین است:

یار من چون ماه گه پنهان و گه پیدا شود / تا دل شوریده‌ام هر دم ز نو شیدا شود

در آغاز این بیت طبق نسخه عکسی در صفحه ۱۶۵ «یار ما» کتابت شده است و «یار

من» یک خطای رونویسی است.

